



عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا

يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا

اشعار جدید شاعر شهیر
ژولیده نیشاپوری

نوای بلبل به ماتم گل

رہیافتی بر زیارت ناحیہ مقدّسہ
حضرت صاحب الزّمان (عج)



همراه با مقدمه روشنگرانه ای از
سید محمود بحر العلوم میردامادی



نوامحی بلبل بہ ماتم گل

رہیافتی ہر زیارت ناحیہ مقدسہ
حضرت صاحب الزمان (عج)



شاعر شہیر
ژولیدہ نیشابوری

ہمراہ با مقدمہ روشنگرانہ ای از
سید محمود بحر العلوم میردامادی

﴿ دهه فرخنده مهدویہ مبارک باد ﴾

دهم تا بیستم شعبان المعظم

* نوای بلبل به ماتم گل *

مقدمه / سید محمد بحر العلوم میردامادی

شاعر / حسن فرحبخش (ژولیده نیشابوری)

ویراستاری و تنظیم / مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت

حروفنگاری / خدمات رایانه کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام

نوبت چاپ / دوم، نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۲ هـ.ق.

شمارگان / ۲۰۰۰

قیمت / ۴۸۰ تومان

ناشر / بهار قلوب

www.imammahdi.net

[E-mail:info@imammahdi.net](mailto:info@imammahdi.net)

اصفهان / تلفن ۶۲۴۲۲۵۶ و ۶۲۴۷۶۰۰ / تلفکس ۴۴۶۳۹۴۵ / صندوق پستی ۸۱۳۹۵/۱۵۴

(حق چاپ برای ناشر محفوظ است)

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر و سپاس خدای را سزااست که بزرگی از آن اوست و
درود و سلام و صلوات بر محمد مصطفی ﷺ و آل طاهرین
ایشان باد.

در ظلّ توجهات حضرت اباصالح المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
سعادت یافتم زیارت ناحیه آن حضرت را که سندی معتبر و
شرح حالی جانسوز و چکامه‌ای درد آور از مصائب حضرت
اباعبدالله الحسین علیه السلام است، به رشته نظم در آوردم، و این توفیق
در مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج)
اصفهان، در ایام شهادت صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
نصیبم گردید.

مقدمه حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید محمود بحر العلوم میردامادی «دام عزّه» که از آیات و روایات، اتّخاذ شده و دارای مطالبی سازنده همراه با انتقاد از بعض شعراء و نویسندگان می باشد، بر نورانیت این اثر افزوده است، امیدوارم خداوند متعال قبول فرماید و در تهاجم فرهنگی، این کتاب مشعل راه نسل جوان و شیفتگان ولایت گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

«ژولیده نیشابوری»

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیائید با هم به زیارت دوست برویم، دوست خدا، محبوب قلبها، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، در این زیارت دروس امام شناسی به زبان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده، زیارت کننده، امام و زیارت شونده، امام و با عنایت حق، ما متعلم در این زیارت بزرگ و مأموم این دو بزرگیم.

حدیث (مَنْ مَاتَ...) که به عبارات مختلفه در کتب پیروان اهل بیت علیهم السلام و اهل سقیفه آمده و مشهور بین مسلمین است، هشداری برای دور افتادگان از معرفت و واماندگان از هدایت می باشد.

حدیث مذکور می فرماید: کسی که بمیرد و معرفت امام زمانش را کسب نکرده باشد، یا بیعت با امام زمانش ننموده

باشد به مرگ جاهلیت مرده است، یعنی گمراه و بی ایمان مرده است.
سؤال این است:

امام را از کجا و از چه کلاسی بشناسیم؟

پاسخ را از قول اولین مظلوم عالم علی علیه السلام نقل می‌نمایم که
فرموده است: «فِيهِمْ كَرَامَةُ الْقُرْآنِ»^(۱)

ما در این مقدمه، به بعضی از آیات ستایشی که در شأن دو
امام عظیم‌الشأن نازل شده است، اشاره نموده و بدینوسیله به
خدای متعال، تقرب می‌جوئیم.

آیات درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

همه باید بدانیم، اطاعت امام زمان علیه السلام طبق آیه شریفه:
«أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۲) فرض و واجب است، و غیر او مذکور و ارشاد
کننده‌ای نیست.

او حتی در زمان غیبت منور دلها و بیدار کننده قلوب است، که
خدایش فرموده: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»^(۳)
و در زمان ظهور با نابودی دشمنان، «مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ»

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام / صفحه ۴۸۰

۳. سوره نور / آیه ۳۵

۱. سوره نساء / آیه ۵۹

می باشد، و آیه شریفه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^(۱) را مصداق می گردد و «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^(۲) را معنا و مفهوم می بخشد.

پس در زمان غیبت و در زمان ظهور به مرشد و دلیل، نیازی نیست، او مرشد و دلیل قلوب لایق و دلهای مستعد است.^(۳) دلیل آنکه او موجود است، جهان خلقت است، و وجود نور هدایت، حدیث «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمامٍ مِنَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا»^(۴) و آیه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^(۵) گویای این مطلب است. محقق بزرگ، مرحوم میرداماد فرموده است:

ای علمت کنیت و نام نبی	خورده لببت آب ز جام نبی
مهدی دین هادی عالم توئی	روشنی دیده آدم توئی
حافظ شرعی و امام امم	طاعت تو فرض همی بر ذمم
جان توئی و هر دو جهانت تنست	مهر و مه از نور رخت روشن است

او وعده خداست و وعده خداوند، راستین است، وعده حاکمیت مطلق دین «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^(۶) با ظهور آن وجود

۲. سوره زمر / آیه ۶۹

۱. سوره حدید / آیه ۱۷

۳. بلی در مسیر معرفت یابی و رسیدن به کمال، داشتن مصاحب خوب، خوب است

۴. بحار الانوار / جلد ۲۳ / صفحه ۳۷

۵. سوره رعد / آیه ۷

۶. سوره توبه / آیه ۳۳

مطهر، نور افشانی امامت بکمال می‌رسد و «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»^(۱) تحقق پیدا می‌کند.

حکومت او، حکومت صالحان و بندگان شایسته است، همان که در کتب قبل از اسلام خبرش آمده و بشارتش داده شده است.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ...»^(۲)

تورات و انجیل و دیگر آثار آسمانی همانطور که بعثت فارقلیطا (Parqhlita) و پرکلیوس (Perikleos) را خبر داده‌اند، ظهور او را نیز می‌بشّرنند.

بدین جهت محمد صادق فخرالاسلام، دانشمند مسیحی و پرفسور کُربن محقق اسلام‌شناس و دهها و صدها دانشمند و محقق دیگر در طول تاریخ به ندای تورات و انجیل، پاسخ مثبت داده، به اسلام پناه آورده‌اند.

ما غرق در دریای ولایتیم، و متنعم بر سفره امامت، اما قدر ناشناس؛ می‌گوئیم آب چیست؟ و غذا کدام است که می‌گوئید حیات ما به آن است!!

فخرالاسلام با نوشتن ۸ جلد کتاب، بنام «أنیس الأعلام فی نصره الإسلام» از اسلام دفاع می‌کند و فخر اسلام می‌گردد،

پرفسور گرین در «ژنو» درس امامت می‌گوید، و با دفاع از مهدویت نامش را جاودان می‌کند، ولی ما در بی‌تفاوتی نسبت به امامت و مسئولیت ناشناسی نسبت به مهدویت، بسر می‌بریم، حیرانیم! اما حیران غرب و اروپا؛ ولی باید بدانیم، اینان هر چه از علوم و دانشها دارند از بزرگان ما دارند، از امثال جابر بن حیان که فیزیک و مکانیک، شیمی و داروسازی را از ششمین امام ما «حضرت صادق علیه السلام» أخذ نموده، بدینوسیله این علوم به غرب و اروپا رسیده است.

ما خواب رفتیم و از ذکر رب ^(۱) که امام زمان علیه السلام است، إعراض کردیم و به معیشت ضنک، مبتلا شدیم، و حال، قصور و تقصیرها را به اسلام و مکتب ولایت نسبت می‌دهیم. آبادی بتخانه ز ویرانی ماست جمعیت کفر از پریشانی ماست اسلام بذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست وای بر ما، وای بر ما! فردا چه خواهیم گفت از:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ»؟ ^(۲)

می‌گوئیم ما از نماز گزاران نبودیم، یا به شرط قبولی نماز که توجه به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، توجه نداشتیم! مگر امام رضا علیه السلام فرموده: «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». امروز

شرط قبول توحید، قبول ولایت امام زمان علیه السلام است.

برادر و خواهر گرامی! چرا از کعبه واقعی فاصله دارید؟

چرا از همه کس می‌گوئید، ولی او را فراموش می‌نمائید؟

بخدا شرط انصاف نیست، نمک بخورید و نمکدان بشکنید،

مگر هر چه از موفقیتهای دارید، از او ندارید؟!!

راستی در مورد «سَبَاقِ چِه فکر کرده‌اید؟» آیا فکر توشه

برداشتن، قدرت گرفتن و پرورش قبل از مسابقه بوده‌اید؟! مگر

أمیر مؤمنان علی علیه السلام نفرموده:

«أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارُ وَ غَدَا السَّبَاقُ»^(۱)

آیا رفیقی بهتر از عزیز زهرا، حضرت ولی عصر (عج)

پیدا می‌کنید؟ آیا مصاحبی برتر و دلسوزتر از او می‌یابید؟

چرا به آیه شریفه: «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» توجه ندارید؟!!

با امام زمان علیه السلام بودن، یعنی دل به او دادن، یک دل داری، برای

او جارویش کن و به تزکیه‌اش بپرداز و به حجت خدا بگو:

دل جز ره عشق تو نیوید هرگز جز محنت و درد تو نجوید هرگز

صحرای دلم عشق تو شورستان کرد تا مهر کسی دگر نروید هرگز

«مَنْ أَتَاكُمْ نَجِيٌّ» در زیارت جامعه، چه می‌گوید؟ نجات و

۱. بدرستی که امروز روز خودسازی و فردا روز مسابقه است.

رستگاری، دل دادن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، اگر دلت پیش او باشد او را ببینی یا نبینی او را می بینی. آیا «و اذّن فی الناس بالحجّ یا توك رجلاً»^(۱) را خوانده اید؟!

اگر خوانده اید و دل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داده اید، طوبیٰ لكم و اگر خوانده اید و تدبّر نکرده اید، وای بر شما!

کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست

چرا مردم را بسوی او نمی خوانید، چرا جوانان را بیاد بزرگی او به خوشبختی و سعادت رهسپار نمی سازید، چرا در هر شهر و محله ای کتابخانه ای ویژه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأسیس نمی کنید و بیاد غریب هستی، کنفرانس و جلسات بزرگ تشکیل نمی دهید و از زیباییهای او نمی گوئید؟!

مگر امام صادق علیه السلام نفرمود:

«رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ»

خدا رحمت کند بنده ای را که مردم را به محبت ما سوق دهد.

پس چرا مردم را با ولی دوران مانوس نمی سازید؟

چرا با منحرفین از ولایت او می نشینید، و کتب مخالفین را

می خوانید و گاه با مباحیگری آب به آسیاب دشمنان می ریزید؟
آیه شریفه «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^(۱) و آیات دیگر در مورد
سؤال از نعمت ولایت امام زمان علیه السلام و آباء ایشان، بی مسؤلیتی
در قبال این نعمت عظمی را محکوم می کند.

آنها که از شنیدن نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آباء
ایشان کراهت دارند، و دل به هوی پرستی و مستی زر و قدرت
داده اند، به قول قرآن کافرانند.

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ...»^(۲)

آیا می دانید، آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...»^(۳) اعتصام به
حبل ولایت را منظور دارد و اتحاد بر سر رهبری حضرت
صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آباء ایشان را توصیه و امر
می فرماید.

چرا با خدّام حرم مهدویّت و حریم ولایت، اتحاد
برقرار نمی کنید و چرا با سربازان مخلص راه حضرت ولیّ
عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که سینه چاک تشیع و
لبیک گوی فرمان اویند، دوستی ندارید؟

۲. سوره محمد / آیه ۹

۱. سوره صافات / آیه ۲۴

۳. سوره آل عمران / آیه ۱۰۳

آیا از اتحاد مخالفین ولایت خبر داشته، قدرت‌نمایی آنها را در صحنه فرهنگ مشاهده نمی‌کنید؟

آیا از نشریات مخالف اسلام، کتب مخالف قرآن و عترت علیهم‌السلام، نوشته‌های ضدّ راه حضرت مهدی (عج) باخبرید؟

آیا می‌دانید در این سالها چند صد کتاب و جزوه ردّ مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام نوشته، با تحریف معنوی آیات و تحریف لفظی و معنوی روایات دل‌امام‌زمان علیه‌السلام را خون نموده‌اند؟ آنها که راضی به تبلیغات و هابیتتند، و با وجود قدرت، از خود حرکت و تلاشی در محکومیت مخالفین ولایت نشان نمی‌دهند، نامشان در دفتر مخالفین ثبت است و در پیشگاه امام‌زمان علیه‌السلام از دشمنان محسوب می‌گردند.

مگر حضرت علی علیه‌السلام نمی‌فرماید:

کسی که به کار گروهی راضی باشد، همچون کسی است

که با آنها در آن کار شرکت کرده است.

مگر آن امام عظیم‌الشأن در نهج‌البلاغه نمی‌فرماید:

«وَإِنَّمَا عَقَرْنَا قَوْمَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ

لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا».

یک نفر ناقةٔ ثمود را از پا در آورد ولی خداوند همهٔ قوم را عذاب فرمود چرا که، همه راضی به آن گناه و سرکشی بودند.^(۱)
باعث تأسّف است، بعضی زمانیکه خبر تهاجم فرهنگی و تلاش دشمنان را می‌شنوند، و یا از فساد اخلاق و عقیده در جامعهٔ انسانی و اسلامی مطلع می‌شوند فقط به دعای فرج متوسّل گشته، می‌گویند:

خداوند مهدی موعود علیه السلام را برساند. با توجّه به اینکه دعا برای فرج، مطلوب و وظیفه است، ولی وظیفه و مسئولیت شیعه را در پاسداری مرزهای تشیع برطرف نمی‌سازد. انتظار فرج، زمینه سازی و فعالیت و تلاش در راه حضرت صاحب الامر علیه السلام است.
منتظر حقیقی کسی است که نسبت به ولایت امام زمان علیه السلام متعهد باشد و در برابر صف مخالفین مسئولانه ایستادگی و مقاومت نماید. منتظر حقیقی کسی است که به قلب داغدار مولایش توجّه نموده، دل پر خون مرادش را با کار و تلاش مخلصانه، تشکیل مجالس و کلاس، تلاش برای معرفت‌یابی، تقویت محافل ندبه و ولّائی، نوشتن و نشر کتب ارزشمند و مستدلّ عقیدتی، پاسخگوئی سوالات و شبهات مذهبی، در حدّ قدرت و توان، مرهم و تسلیت بخشد.

نتیجه!!

تا اینجا در حدود ۱۶ آیه از آیات قرآن را در مورد معرفت و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و بزرگی ولایت حضرت و آباء ایشان ذکر نمودیم و با آیات قرآن کلاس چند دقیقه‌ای تشکیل دادیم.

نتیجه اینکه او موعود قرآن و دیگر کتب آسمانی است و نماینده و بقیة الله است.

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۱)

او دست خداست و دست خدا بالای همه دستهاست. او در قدرت و بصیرت در بین بندگان یگانه است و نماینده یگانگی خداوند است، همانطور که جد بزرگوارش حضرت علی عليه السلام مثل «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است و قدرت و علم و بی‌نیازی حق را نشان می‌دهد.

او علت غائی عالم است، و در آفرینش رتبه اول و همچون آباء گرامش، پدر خلقت است.

گر نبودى ميل امید ثمر	كى نشاندی باغبان بیخ شجر
پس به معنا آن شجر از میوه‌زاد	گر به صورت از شجر بودش نهاد

زین سبب فرموده است آن ذوفنون رمز نحن الاولون الآخرون
گر به صورت من ز آدم زاده‌ام لیک معنأ جَدّ جد افتاده‌ام
بعد از آیات قرآن در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
روایات در این باب از حدّ تواتر گذشته است، آیت الله حاج آقا رضا
همدانی رحمته در کتاب انوار قدسیه اش می فرماید:

بیش از ده هزار روایت راجع به حضرت مهدی (عجل الله
تعالی فرجه) از طریق شیعه و سنی به ما رسیده است، این
روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دوازده معصوم دیگر علیهم السلام و
حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است.

سید بحرانی رحمته هم همین تعداد روایت را ادعا می کند. (۱)
همه این روایات در مورد آقائی است که وجود خارجی دارد،
یک شخص است. مانند آباء گرامش، بشر است، بشری کوست
خدا را مظهر، بعضی ها حضرت مهدی علیه السلام را شخصی و موجود
جسمانی نمی دانند و قائل به مهدویت نوعیه اند.

پس به هر دوری ولّی قائم است تا قیامت آزمایش دائم است
پس امام حیّ قائم آن ولی است خواه از نسل عمر خواه از علی است
هادی و مهدی وی است ای راهجو هم نهفته هم نشسته پیش رو
شاعر می خواهد بگوید: تجلی شیخ در دل سالک، ظهور

(مهدی) سالک است. و این مطلب غلط اندر غلط و تراوش افکار به دور از مکتب اهل البیت علیهم السلام است.

زمانی که شعرا با میزان و شاقول امامت و رهبری اهل البیت علیهم السلام شعر بگویند ممدوحند و شعرشان مطلوب، ولی اگر از تراوش فکری (تصوّف و یا تسنن) برداشت کنند بطوریکه شعرشان با ادله قرآنی و روایی و براهین مکتب اهل البیت علیهم السلام مطابق نباشد، مردود بحساب می آیند و شعری که در مورد مهدویت نوعیه نقل گردید از همین اشعار است. همین غلط‌گوئی‌هاست که زمینه‌ساز دگانداری و حيله‌گری شیطان صفتان جامعه می‌گردد، مثل گفتار شیخ احمد احسائی که می‌گوید:

«امام زمان در عالم هورقلیائی است»، این نظریه باعث شده، حيله‌گران استعمار فتنه بهائیت را راه‌اندازی نمایند، زیرا شیخ احسائی گفته:

«سَيُظْهَرُ فِي جَسَدِ مَنْ يَشَاءُ»^(۱)

و مانند غلط‌گوئی بعضی محدثان سقیفه (که با ساختن افسانه‌های دروغین) مانند «داستان غرانیق» راه را برای سلمان رشدیها باز می‌نمایند.

شناخت امام حسین علیه السلام

در قرآن آیات فراوانی درباره ائمه معصومین علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام وجود دارد.

یکی از آن آیات، آیه «کلمات» است که می فرماید:

«فَتَلَقَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...»^(۱)

آدم برای اینکه توبه اش پذیرفته شود، به پنج نور مقدس (یعنی حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) متوسل شد.

و این همان کلمات است که ابراهیم را بدان امتحان فرمود:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ...»^(۲)

مفضل از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد، مقصود از «فَاتَمَّهُنَّ»

کیانند؟ فرمود:

ابراهیم کلمات را تمام نمود، (یعنی به همه ائمه علیهم السلام تا حضرت

قائم علیه السلام توجه پیدا نمود).^(۳)

نشانی دیگر از بزرگی امام حسین علیه السلام و بستگان ایشان «وَ أُتُوا

الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»^(۴) می باشد، که باب ایشان باب الله است.

۲. سوره بقره / آیه ۱۲۴

۱. سوره بقره / آیه ۳۷

۴. سوره بقره / آیه ۱۸۹

۳. تفسیر برهان / جلد ۱ / صفحه ۱۴۷

«أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (۱)

نیز نشان دهنده عظمت و کمال آنجناب است، او (عروة الوثقی) سفینه نجات و حبل الله برای جامعه انسانی بشمار می رود. آیه مباهله به جلالت قدر او ناطق و آیه تطهیر زمزمه بزرگی عصمت و عظمت خلوص و صفای ظاهر و باطن او را دارد. شفاعت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برای متّقین و مؤمنان به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» (۲) گویای این معنا است.

امام حسن علیه السلام لؤلؤ و امام حسین علیه السلام مرجان دریای عصمت و ولایت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام می باشند. عالم ربّانی شیخ جعفر شوشتری مدظله العالی می فرماید:

قرآن کلام الله صامت است و حسین علیه السلام کلام الله ناطق؛
قرآن کریم و شریف و مجید است، و حسین علیه السلام کریم و شریف و مجید و شهید است.
قرآن مشتمل است بر قصص و احوال انبیاء، و بیان آنچه به ایشان وارد گردیده از صدمات، و حسین علیه السلام آیت آن قصص و حالات است بالعیان.

۲. سوره حدید / آیه ۲۸

۱. سوره بقره / آیه ۲۰۸

قرآن شفا و رحمت است برای مؤمنین و حسین علیه السلام
شفا است از امراض باطنه و تربتش شفا است از امراض
ظاهره؛ و او رحمت است از برای مؤمنین که بیشتر فوزهای
ایشان به آن جناب است.

قرآن نور است و حسین علیه السلام نور است، قرآن روح است
و حسین علیه السلام ریحانه رسول خداست و راحت است از
برای خلائق.

قرآن، حکیم است که معالجه می‌کند قلوب را به
هدایت، و حسین علیه السلام حکیم است که معالجه کرد جمعی
را به هدایت و جمعی را معالجه نموده به شفاعت.

قرآن بشیر است و نذیر و کتاب مبین است، و حسین علیه السلام
بشیر، نذیر و امام مبین است، که جدا نموده حق را از باطل.

وجود عینی اوصاف قرآن

امام حسین علیه السلام دارای اوصاف کتاب الله است، و با وجود
عینی، اوصاف کتاب خدای متعال را نشان می‌دهد.

قرآن آیات الهی است:

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (۱)

امام حسین علیه السلام نیز آیه عظمای پروردگار است، همانطور که

درباره آیه شریفه: «مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ...»^(۱) امام صادق علیه السلام

می فرماید: «الآيَاتُ هُمُ الْأُمَّةُ»^(۲) و حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي»^(۳)

قرآن در سوره نحل، آیه ۸۹ می فرماید:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»

یعنی این کتاب آسمانی بیان کننده همه چیز از مبدأ، معاد و...

می باشد و با این صفت در سینه امام حسین علیه السلام موجود است:

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...»

و این درسی است برای روشنفکرانها و وهابی زده ها، که

بدانند، امام حسین علیه السلام و ائمه دیگر بدلیل اینکه تبیان لکل شیء

هستند، باید عالم به کل شیء هم باشند، فاقد شیء نمی تواند

معطی شیء باشد، اگر عالم نباشند چه چیزی را بیان می دارند؟

قرآن حکیم است، یعنی مطالبش صحیح و مطابق با واقع

است، مطلب بی جا و بی مورد و جاهلانه در قرآن یافت نمی شود،

«وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ»^(۴)

با توجه به آیه ای که گذشت «...فِي صُدُورِ الَّذِينَ...» این کتاب

۲. اصول کافی / جلد ۱ / صفحه ۲۰۷

۱. سوره یونس / آیه ۱۰۱

۴. سوره یس / آیه ۳

۳. اصول کافی / جلد ۱ / صفحه ۲۰۷

آسمانی با این صفت الهی یعنی حکمت، در سینهٔ امام حسین علیه السلام و ائمهٔ دیگر علیهم السلام موجود است.

پس ائمه علیهم السلام حکیم‌اند و قیام و قعودشان، فریاد و سکوتشان، امر و نهیشان، سیره و روششان، صحیح و حکیمانانه است، کار بیهوده و جاهلانه نمی‌کنند، خطا و سهو ندارند، و این درسی است برای آنها، که نسبت سهو به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا ائمه علیهم السلام داده‌اند و یا به صلح و قیام، فریاد و سکوت آن حضرات، اشکال گرفته‌اند. بیچارهٔ بیچاره، شهرت طلب و هابی زده، که نشخوار «ایدئولوک وهابیت» را با کلمات فریبنده و زرق و برق ادبی نشخوار می‌نماید، و با سخنرانی و یا نوشتن کتاب گاه به صلح الحسن علیه السلام می‌تازد و گاه قیام‌الحسین علیه السلام را زیر سؤال می‌برد! ^(۱)

اینان آیا در مورد صلح حدیبیه چه می‌گویند؟ و در مورد جنگ‌های پیامبر، چه قضاوت می‌کنند؟ آیا امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین علیه السلام اوصیاء پیامبر نیستند؟

۱. بشارت به شیفتگان ولایت و رهروان حقیقت؛ کتاب ارزنده «السبطان فی موقفیها» اثر: علامه محقق آیت‌الله حاج سید علینقی نقوی رحمته الله علیه با ترجمه: حجة الاسلام و المسلمین سید محمود بحر العلوم میردامادی بزودی چاپ و منتشر می‌گردد. «ناشر»

آیا حکمت و حقیقت خواهی پیامبر به آنحضرت نرسیده است؟
آیا آیه تطهیر به صدق گفتار و راستی رفتارشان گواهی
نمی‌دهد؟

چه باعث شده که بعضی از نویسندگان مملکت شیعه و کشور
صاحب‌العصر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) با نادیده گرفتن
آیات قرآنی و روایات فریقین در مورد عصمت معصومین علیهم‌السلام
به قیام و حق‌طلبی آن حضرات بتازند و با طرح کلمه خشونت و
خشونت‌گرا راه را بر مجاهدان راه خدا و امرکنندگان به معروف
و نهی‌کنندگان از منکر مسدود نمایند؟!!

طرفداران بی‌بندوباری، دلدادگان آزادی حیوانی و
هوسرانان جنگلی، هراسان از ذوالفقار علی علیه‌السلام و ترسناک
از قانون اسلام، برای هموار نمودن راه گناه و معصیت، و
اجرای مقاصد حکومت‌های استعماری در به فساد کشاندن
جوامع اسلامی به قانون جهاد و دفاع، امر به معروف و
نهی از منکر، قیام در برابر فساد و مقابله با مفسد اشکال
می‌کنند و مباحی‌گری و بی‌تفاوتی را تبلیغ می‌نمایند.

طراحان صراط‌های مستقیم، که سابقه تاریخی دارند با عنوان
نمودن «دعوی ساختگی موسی و شبان» و با تبلیغ درون‌گرائی
تحریف شده و مخالف با مبانی اسلام، در حفظ ظاهر و توجه به

ظواهر، به مخالفت بر می‌خیزند و مردم را به خرقه‌پوشی دعوت می‌کنند.

قرآن شفای دردهاست؛ دردهای روحانی و امراض اخلاقی و به وسیله قرآن، درمان می‌گردد.

«قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» (۱)

و این کتاب آسمانی با این صفت الهی در سینه امام حسین علیه السلام و ائمه دیگر موجود است:

(فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ...)

پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی، مکتبشان شفابخش دردهای روحانی و جسمانی است، (همانطور که عیسی علیه السلام (يُبْرِأُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ) این خانواده، طیبیان روح و جسم بشرنند.

وهابی زده نباشید و تعجب نکنید که مجلس، نام، یاد، پرچم، زیارت، حرم، بارگاه و تربت امام حسین علیه السلام شفابخش دردهای ظاهر و باطن است.

در روایات فراوانی داریم که خداوند دعا را تحت قبه امام حسین علیه السلام و شفا را در تربت آن حضرت قرار داده است. (۲)

امام حسین علیه السلام و ائمه دیگر بشیر، نذیر، احسن الحدیث، بصائر،

۱. سوره یونس / آیه ۵۷

۲. به ترجمه خصائص الحسینیّه رجوع کنید.

بیّنات، برهان، مبارک، المثانی، حبل الله، الذکر، الرّوح، الصدق، الحق، الصراط المستقیم، العزیز، العظیم، الفرقان، القول الفصل، القیم، الکریم، الکلمه، المهیمن، المجید، النعمه، النور، الهادی و... می باشند که تشریح هر کدام از این اوصاف زمان مناسبتری می طلبد.^(۱)

مزد رسالت پیامبر ﷺ در آیه ۲۳ شوری، دوستی امام حسین علیه السلام و بستگان ایشان تعیین شده است و این در حالی است که در آیه ۵ سوره فرقان می فرماید:

«إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»

مزد رسالت من این است که مسلمین راهی بسوی خداوند بر گزینند، از راه خداوند جدا نگردند، و در سوره سبا می فرماید: «فَهُوَ لَكُمْ» یعنی آنچه از شما خواستم به نفع خود شماست، نتیجه اینکه؛ پیامبر در آیه اول خواسته است مسلمین، امام حسین علیه السلام و بستگان آنحضرت را دوست بدارند و در آیه دوم خواسته است مسلمین، راه خداوند را برگزینند. با تدبیر در این دو آیه در می یابیم این دو خواسته یکی است، پیامبر دو خواسته

۱. در این قسمت از مقدمه، از کتاب شریف و ارزنده، «المنهج القويم في إثبات الإمامة من الذكر الحكيم» / نوشته محقق عظیم الشان، فقیه و مفسر عالیقدر حضرت آیت الله حاج سید محمد رجائی اصفهانی (دام ظلّه العالی) استفاده فراوان نموده ام.

ندارد، دوستی اهل البیت علیهم السلام انتخاب راه خداوند، و گزینش مسیر الهی است. دوستی اهل البیت علیهم السلام اگر نباشد، توحید و اسلام واقعی تحقق پیدا نمی‌کند، مودت امام حسین علیه السلام اگر در قلوب انسانها یافت نشود، به بارگاه قرب الهی، بار نمی‌یابند. و مهم این است که می‌فرماید: این مودت که طی کردن راه خداست، سیر الی الله است، «فَهُوَ لَكُمْ» این برای خود شما است، برای فرد و جامعه شما مفید است. مگر در زیارت جامعه نمی‌خوانیم، «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»، کسی که اراده کرده به قرب الهی برسد، به عرفان واقعی دست یابد، باید در دانشگاه شما خانواده نام‌نویسی کند، قطب هستی، محور کمال، شما هستید. دیگران کلاسشان، کلاس نیرنگ و شیطنت است و بنام کمال، مردم را به هوی‌خواهی و علوجوئی سوق می‌دهند.

قرآن دربارهٔ مکتب رسالت، می‌فرماید:

«يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (۱)

مفسرین فرموده‌اند:

مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ بِالْفِكْرِ وَالنَّظْرِ إِذْ لَا طَرِيقَ

إِلَى مَعْرِفَتِهِ سِوَى الْوَحْيِ (۲)

به بازی‌گران وادی بی‌معرفتی که خود را عارف می‌شمارند،
می‌گوییم:

این راه را به بازی نگیرید، سیر و سلوک بدون
بهره‌برداری از چراغ وحی و مصباح هدایت، بی‌توجهی به
صاحبان واقعی ولایت، سیر و سلوک شیطانی است.

مگر کسی که اهل‌البیت علیهم‌السلام را به عنوان اوصیاء رسول
اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبول ندارد و پیرو ائمه هدی علیهم‌السلام نمی‌باشد، می‌تواند
کلاس معرفت داشته باشد؟

سلام و زیارت واقعی

عارفان واقعی بر این بارگاه سلام دارند و در برابر فرمان
امیران معرفت، تسلیم صد در صدند، آنها را به درد و صاف‌کار
نیست بلکه به الطاف ساقی چشم دوخته، هر آنچه را او خواهد،
خواستار باشند.

کمال یافتگان حقیقی، همانند حرّبن‌یزیدریاحی برابر حصن
ولایت سر فرود آورده: «أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» را در سلام دادن
بر امام حسین علیه‌السلام، زیارت او و پیروی از او جستجو می‌کنند.
آنان امام حسین علیه‌السلام را پدر می‌دانند، پدر عباد، بزرگ‌بندگان،
معلم حرّیت و مربّی عبودیت، برای همین، با جان و دل می‌گویند:

﴿ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ﴾

زائر به زیارت، کمالش بالا می‌رود، قطره‌ایست که به دریای کمال و معرفت متصل می‌گردد، هر زائری معرفتش بیشتر باشد، قُربش بیشتر است، پس سعی کن زائر او باشی. آری زیارت امام حسین علیه السلام زیارت خداوند در عرش او می‌باشد.

الله اکبر! خداوند متعال هر شب جمعه امام حسین علیه السلام را زیارت می‌نماید.

خداوند به زائرین امام حسین علیه السلام بر حَمَلَةُ عرش و بر ملائکَةُ مقَرَّبین مباحات می‌کند و می‌فرماید:

ببینید زوَّار قبر حسین علیه السلام را که به جانب او به شوق می‌روند. (۱)
زائرین امام حسین علیه السلام یاوران حضرت فاطمه‌اند زیرا که آن حضرت هر روز امام حسین علیه السلام را زیارت می‌نماید. (۲)

زیارت زائر مگر میتواند بدون اشک و سوز و گداز باشد؟
او با دل و جان، به دیدار دلداری و محبوبش رفته و مَزور را بخشش‌گر خون قلب در راه خدا می‌خواند و تن آغشته بخون او را نظاره می‌نماید.

﴿ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمِحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ﴾

﴿ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدِّمَاءِ ﴾

۱. ترجمه خصائص الحسینیة / صفحه ۲۹۰

۲. ترجمه خصائص الحسینیة / صفحه ۲۹۱

زائر واقعی جریان کربلا را یاد آور می‌شود و با مجسم نمودن جزئیات وقایع، اشک غم همراه با آه انتقام «إِنِّي حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمُ» دارد.

سلام بر آنکس که حرمتش شکسته و خونسش به ناحق ریخته شد.

سلام بر آنکس که او را با جاری جراحتهایش غسل دادند.
سلام بر جرعه نوش جام نیزه‌ها.

سلام بر مظلومی اش و خون مباح شده‌اش.

سلام بر او که سرش را از قفا جدا ساختند.

سلام بر او که شاه‌رگ حیاتش تا ابدیت جاری شد.

سلام بر بی یاوریش.

سلام بر محاسن به خون خضاب شده‌اش و بر گونه‌های خاک آلوده‌اش.

سلام بر بدنی که پیراهنش را به غنیمت بردند.

سلام بر لب و دندان خیزران خیز تو.

سلام بر پیکرهای عربان که گرگهای خون‌آشام آنها را

دریدند و وحشیان بر جسد آنها عبور کردند.

... بسوی تو آمده‌ام.

و قنوت نیازم سرشار از امید به رستگاری است به

حرمت ولایت تو ایمان دارم.

نردبان ملکوت را با محبت تو در می‌نوردم و از دشمنان

تو بی‌زارم.

هیچ کدام از بزرگان دین و حتی بزرگ بزرگان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر امام حسین علیه السلام سُروور و یا گریه سُروور نداشته‌اند، مگر نه این است که روز حشر حضرت زهرا علیها السلام وارد محشر می‌گردد و با آن مکرّمه است رختهای خون‌بار و پیراهن غرقه به خون امام حسین علیه السلام، در آن حال عرض می‌کند:

خدایا می‌خواهم ببینم حسن و حسین را، سپس مصوّر شود از برای او حسین علیه السلام به حالتی که سر در بدن ندارد و خون از رگهای او جاری است، پس چون آن حالت را ببیند، فریادی زند و خود را از ناقه به زیر اندازد و پیامبر و ملائکه همه فریاد زنند. (۱)
مگر نه اینست که حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

هر که روز عاشورا روز حزن و مصیبت و گریه او باشد
خدای عزّوجلّ روز قیامت را روز شادی او قرار می‌دهد. (۲)
مگر نه این است که اباندر فرموده:

اگر بدانید که آن مصیبت چه قدر بزرگ است، آن قدر
گریه کنید تا جان دهید. (۳)

مگر نه اینست که امام سجاد علیه السلام در بیابان مدینه بعد از
مراجعت از کربلا مرثیه خوان امام حسین علیه السلام گردید، برای

۱. ترجمه خصائص الحسینیّه / صفحه ۲۸۸ - بحار الانوار / جلد ۴۳ / صفحه ۲۲۲

۲. بحار الانوار / جلد ۴۴ / صفحه ۲۸۴ ۳. بحار الانوار / جلد ۴۵ / صفحه ۲۱۹

آنحضرت کرسی گذاشتند، بر کرسی نشست و اشک از چشمانش جاری بود و با دستمال بر طرف می نمود باز اشک مهلت نمی داد، می فرمود:

ای مردم! امام حسین علیه السلام با عترتش کشته و بخون آغشته شدند، و اهل بیت و اطفالش به اسیری رفتند، و سرهای ایشان را بر سر نیزه در بلاد گردانیدند، و این مصیبتی است که مانند نخواهد داشت، کدام مرد با غیرت است بعد از ملاحظه این مصیبت مسرور گردد؟! کدام چشم است که اشک بر آن مولا نریزد، کدام دل است که از برای او شکسته نشود؟! (۱)

همانطور که ملاحظه می نمائید، قضیه کربلا به عنوان یک مصیبت بزرگ، و عاشورا بعنوان روز حزن و غم برای همه اولیاء الهی بویژه ائمه علیهم السلام مطرح بوده و هست، شیعه نمی تواند با تفسیرهای روشن فکر مآبانه و یا عرفان نمایانه دست از دستور العمل در مورد عزاداری و نوحه گری بردارد و به جمع اهل وجد و نشاط، رقص و موسیقی بپیوندد.

شیعه زیارت ناحیه مقدسه را شعار خود ساخته «و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» را با اشک و آه در نظر گرفته، با شمشیر مجلس عزا و فریاد یا حسین، به جنگ مخالفین اسلام و ستمگران می رود.

بعضی از نویسندگان اخیر، نوشته‌اند که گریه و عزاداری
و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی کار مردمی است که در عالم
کثرات گرفتارند و از نفس، برون نیامده‌اند!

سؤال اینست :

ائمه معصومین علیهم‌السلام، بزرگان دین، علماء عاملین که در
مصیبت امام حسین علیه‌السلام گریان و محزون بوده، آیا در عالم کثرات
گرفتار و از نفس برون نیامده بودند؟

اگر راستی عزاداری و نوحه‌خوانی بر امام حسین علیه‌السلام کار
خفتگان و غافلان است، پس گریه ائمه معصومین علیهم‌السلام بر
آنحضرت را چگونه باید تفسیر نمود؟!

عمل فاطمیات، که در این مصیبت عظمی گریان و نالان بودند،
گریبان چاک، لطمه بر صورت می‌زدند را چگونه باید شرح
داد؟^(۱)

آیا پیروان راستین ائمه علیهم‌السلام غافل از مراتب و درجات شهیدان
کربلا بوده‌اند و به امام حسین علیه‌السلام معرفت نداشته، از بی‌خبری به
گریه و ناله بر امام حسین علیه‌السلام می‌پرداخته‌اند؟ آیا عبارت زیارت
ناحیه مقدسه «فَلَا تُدْبِكُ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأُبْكِينَ...»^(۲) گویای

۱. تهذیب / جلد ۸ / صفحه ۲۹۶، آخر کفارات

۲. «...اگر روزگاران مرا به تأخیر انداخت و تقدیر، مرا از یاری تو دور ساخت و نبودم تا

غم و غصّه و تأسّف بر مصائب امام حسین علیه السلام نمی باشد و یا امام زمان علیه السلام به مراتب و درجات امام حسین علیه السلام عالم نبوده اند؟ آیا سیره اهل البيت علیهم السلام را در امر عزاداری امام حسین علیه السلام نادیده گرفتن و عزاداران را غافل و بی خبر خواندن، خود را عارف پنداشتن و عرفان را به بند انحصار کشاندن، مطلوب خدای عارفان است!

ریشه این مطلب، یعنی سرور در روز عاشورا، به استعمار بنی امیه و بنی عباس برمی گردد و بلندگوهای سقیفه با همکاری مدعیان عرفان و سکینه، در طول تاریخ جهت بی صدا نمودن فریاد عاشورا و بی رنگ نمودن بُعد مبارزاتی کربلا به تبلیغ این روش پرداخته اند.

عبدالقادر گیلانی گفته:

«وَقَدْ طَعَنَ قَوْمٌ عَلَى صِيَامِ هَذَا الْيَوْمِ الْعَظِيمِ وَ مَا وَرَدَ فِيهِ مِنَ التَّعْظِيمِ وَ زَعَمُوا أَنَّهُ لَا يُجُوزُ صِيَامُهُ لِأَجْلِ قَتْلِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِيهِ، وَ قَالُوا يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ الْمُصِيبَةُ فِيهِ عَامَّةً لِجَمِيعِ النَّاسِ لِقَدَّةٍ فِيهِ وَ أَنْتُمْ تَأْخُذُونَهُ يَوْمَ فَرَحٍ وَ سُرُورٍ...»

مطلب این است که مخالفین اهل البيت علیهم السلام این روز را روز فرح

در رکابت خونین بال تا افلاک پرواز کنم امّا؛ هر صبح و شام برای تو به جای اشک، خون می بارم، آنقدر می سوزم و می سوزم و می سوزم، تا در مصیبت جانکاه تو جان دهم...».

و شادی می‌دانند و شیعه با استناد به سنت نبوی و روش ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این امر اعتراض دارد. عبدالقادر گیلانی که غوث اعظم و هیکل صمدانی طایفه عارف نمایان است می‌گوید:

«این اعتراض وارد نیست، چون روز عاشورا روز میمون و مبارکی است که خدای متعال اختیار کرده آنروز را برای شهادت فرزند پیامبر، تا بر کرامت او بیفزاید، پس روز عاشورا شایسته است روز فرحت و شادی باشد.»^(۱)

صاحب کتاب شریف «شفاء الصدور» رحمته‌الله می‌فرماید:

«این خلاصه کلام این دشمن خدا و رسول است، و اما اینکه گفته روزی است مبارک، که خدای متعال آن را برای قتل سبط نبوی خود اختیار فرموده، تدلیسی است که عوام را فریب دهد...»^(۲)

همانطور که یادآوری گردید بنی‌امیه و بویژه بنی‌عبّاس با تقویت دگانداری عرفان‌نمایانه به تبلیغ فرح و سرور در روز عاشورا پرداخته، با بُعد انقلابی و مبارزاتی کربلا و عاشورا مبارزه نموده‌اند.

مبّغین فرح و شادی در عاشورای حسینی اگر چه ممکن است

۱. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور / جلد ۲ / صفحات ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴.

۲. شفاء الصدور / جلد ۲ / صفحه ۲۷۴

خود ندانند ولی با واسطه، مبلغ مبانی استعمار بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و استعمارگران امروزند و ناخودآگاه آب به آسیاب روشنفکرانها و مخالفین امر عزاداری می‌ریزند.

مخالفین اسلام از نهضت و قیام قَتیلُ العَبْرَات، امام حسین علیه السلام ضربه خورده، از کربلا و عاشورا، آه و سوز باکین، گریه و فریاد آنان که سبب بیداری ملت‌های مستضعف است، هراسانند، لذا به جنگ عزاداری آمده، گاه با بلندگوی دوستان بی‌توجه، عزاداری را محکوم، و آنرا کار غافلان و ناآگاهان به مراتب امام حسین علیه السلام معرّفی می‌نمایند.

زیارت ناحیه

زیارت ناحیه مقدّسه، زیارت یک انسان کامل در عرفان، یعنی سرپرست و ولیّ دوران، حضرت امام زمان (عجل الله فرجه) است.

﴿السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ﴾

در این زیارت، هم ستیز با دشمنان ولایت مطرح گردیده و هم سخن از اشک ساده، نه، بلکه گریه خونین و تأسّف و غصّه تا سر حدّ مرگ، از بزرگی این مصیبت عظمیٰ به میان آمده است.^(۱)

این جا است که سید بحرالعلوم رحمته الله را می‌بینیم با آن همه

۱. حَسْرَةٌ عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَىٰ مَا دَهَاكَ وَ تَلَهْفًا حَتَّىٰ أَمُوتَ بِلُوعَةِ الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْأَكْتِيَابِ .

«فرازهائی از زیارت ناحیه مقدّسه»

مقامات علمی و معنوی، به پیروی از امام زمانش در کربلا به دسته عزادار عربهای معیدی (دهاتی) می پیوندند و بر سر و سینه زنان به نوحه گری می پردازد، مانند زن جوان مرده فریاد می زند، گریه می کند و مرثیه می سراید.^(۱)

وظیفه شیعه

با توجه به تبلیغات مخالفین علیه ولایت، و تهاجم فرهنگی استعمارگران، بر همه اندیشمندان الهی، نویسندگان و لائی، شعراء متعهد، لازم است بر تلاش خود در ترویج دین، و مبارزه با انحرافات اخلاقی عقیدتی بيفزایند.

یکی از وظایف که بحمدالله در شرف تکمیل است، ترجمه و شرح ادعیه و زیارات می باشد که باید جهت آگاهی فارسی زبانان به صورت نثر و یا نظم در آید و منتشر گردد.

و یک وظیفه بزرگتر، جمع آوری و تحقیق و ترجمه آثار و کتبی است که پیرامون وجود مطهر حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) می باشد. مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج) اصفهان، به توفیق الهی حدود بیست سال است که این کار مهم و مقدس عقیدتی را شروع نموده و با چاپ اولین اثر

علمی و تحقیقی (بنام شرعة التّسمیه، از محقق عظیم الشّان مرحوم میرداماد) آغازگر تلاش تخصصی در راه ولیّ دوران حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) بوده است.

اکنون که مشغول نوشتن این مقدمه می باشم، از روح مطهر بزرگمردی الهام گرفته که دهه‌ای در سال بنام نامی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) اختصاص یابد و شیعیان و حتی اهل سنت و متدینین به ادیان دیگر که همگی در عقیده به منجی جهان متحدند و به بشارات انبیاء پیرامون ظهور پیشوای عدالت گستر واقفند، در این دهه به تشکیل کنفرانس‌های بزرگ پردازند و مقاصد انسانی و توحیدی که توسط آنحضرت دنبال می شود را تشریح و تبیین نمایند.

این دهه می تواند از دهه تا بیستم شعبان المعظم باشد و مثل دهه عاشورا و فاطمیّه، و بلکه وسیعتر، با ارشاد علماء و محققان، شعراء و اندیشمندان، منشأ برکات علمی و فرهنگی بسیار گردد. بنده بسیار امیدوار هستم این طرح مقدّس به موفقیت برسد، همانطور که طرح مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) به موفقیت رسید و به شهرهای دیگر و مراکز علمی و مذهبی راه یافت.

مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولیّ عصر (عج) مفتخر است با عنایت حضرت و ارشاد مراجع عالیقدر تقلید

تابحال خدمات ارزنده‌ای را در مسیر ولایت ارائه داده، و بیش از سی اثر علمی و دینی را در راه ترویج مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام و مبارزه با انحرافات و شبهات منتشر نموده است. انتشار کتاب حاضر نیز در راستای اهداف این مدرسه و کتابخانه است و پاسخ مثبتی به شیفتگان معرفت ائمه علیهم‌السلام بحساب می‌آید.

پیرامون کتاب حاضر

کتاب حاضر، اشعاری است، شرح مانند (منظوم) که با عنایت صاحب زیارت ناحیه مقدسه، حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه) شاعر با فضیلت، ناطق فضائل آل‌عصمت علیهم‌السلام، مدافع حریم ولایت، رهرو طریق مهدویت، آنکه در مصیبت اهل‌البیت علیهم‌السلام و فراق حضرت حجّت (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) گریه می‌کند و با بیان اشعار جانسون، محبان را می‌گریاند، برادر ولایتی، جناب آقای ژولیده نیشابوری سروده است.

خداوند متعال ایشان را همواره به فریادگری در مسیر قرآن و عترت علیهم‌السلام و توجه به تعهد در قبال ولایت، موفق بدارد. چند سالی است که به برکت ایام فاطمیّه علیها‌السلام موفق به دیدار این شاعر مخلص و گرانقدر شده، از اشعار ارزشمند ایشان بویژه در مجالس مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) بهره برده‌ام.

خداوند بر توفیقات و سلامت ایشان بیفزاید و سیمت سربازی حضرت اباضالح مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به همه ما عنایت فرماید.

در خاتمه یاد آور می‌گردد که عالم ربّانی، خادم‌الولاية آية الله شيخ محمد باقر فقيه ایمانی رحمته الله، کتابی ارزنده بنام: «التُّحْفَةُ الْقَائِمِيَّةُ فِي شَرْحِ أَحْوَالِ جِنَابِهِ فِي التَّعْزِيَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ عليه السلام» در شرح این فقره زیارت ناحیه: «فَلَيْتُنَّ أُخَّرْتُنِي الدُّهُور...» نوشته‌اند که نسخه خطی آن نزد صدیق معظم، نویسنده گرانقدر حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی (دام بقائه) (فرزند مؤلف) و عکس آن در مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر عليه السلام موجود می‌باشد. امید است این کتاب مانند سایر مؤلفات ارزشمند مؤلف، تحقیق و منتشر گردد.

والسّلام علی المهدی و علی آبائه
سیّد محمود بحر العلوم میردامادی

۱۳۷۹/۶/۳۰

زيارت ناحيه مقدسه

بِسْمِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمُعُونَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى ضَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهُ اللَّهُ بِكِرَامَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى إِسْمَائِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى عَزِيزٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مِيتَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى عَيْسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ الْمُخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ إِبْنَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشُّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ .

- السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْأَجَابَةِ تَحْتَ قُبَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَصْيَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى.
السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا.
السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالْدمَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى الْمُهْتُوكِ الْخَبَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ.
السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ.
السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ.

السَّلَامُ عَلَىٰ مَنَازِلِ الْبِرَاهِينِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَيِّمَةِ السَّادَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الشُّفَاهِ الذُّبَابَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَعْضَاءِ الْمُقْطَعَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ النَّسُوءِ الْبَارِزَاتِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ.
السَّلَامُ عَلَىٰ الْقَتِيلِ الْمُظْلُومِ.
السَّلَامُ عَلَىٰ أَخِيهِ الْمَسْمُومِ.

السَّلَامُ عَلَى عَلِيٍّ الْكَبِيرِ .
السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ .
السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلِيبَةِ .
السَّلَامُ عَلَى الْعِترَةِ الْقَرِيبَةِ .
السَّلَامُ عَلَى الْمَجْدَلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ .
السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ .
السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِالْأَكْفَانِ .
السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ .
السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ .
السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَانَاصِرٍ .
السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ .
السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَائِيلُ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكِثَتْ ذِمَّتُهُ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتَكَتْ حُرْمَتُهُ .
السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ .
السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ .

السَّلَامُ عَلَى الْجَمْعِ بِكَأْسَاتِ الرِّمَاحِ.

السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ.

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَاءِ.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيِ.

السَّلَامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتِينِ.

السَّلَامُ عَلَى الْحَامِي بِلَا مُعِينِ.

السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ.

السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ.

السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ.

السَّلَامُ عَلَى الشَّعْرِ الْمُقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ.

السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ.

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ
وَ تَحْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ،
الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَ رَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْخُلِصِ فِي وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ
إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيءِ مِنْ أَعْدَائِكَ. سَلَامٌ مِنْ قَلْبِهِ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ،
وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ. سَلَامٌ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ. سَلَامٌ مَنْ

لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَ بَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ
لِلْحُتُوفِ، وَ جَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ نَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَ فَدَاكَ
بِرُوحِهِ وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ رُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَ أَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَ قَاءً،
فَلَيْنَ أَخَرْتَنِي الدُّهُورُ وَ عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ المَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ
مُحَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ العَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، وَ لِأَبْكِيَنَّ
لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَ تَلَهُّفًا حَتَّى
أَمُوتَ بِلَوْعَةِ المِصَابِ وَ غُصَّةِ الإِكْتِيَابِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ أَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ
عَنِ المُنْكَرِ وَ العُدْوَانِ، وَ أَطَعْتَ اللهَ وَ مَا عَصَيْتَهُ، وَ تَمَسَّكَتَ بِهِ وَ بِحَبْلِهِ
فَارَضَيْتَهُ، وَ خَشَيْتَهُ وَ رَاقَبْتَهُ وَ اسْتَجَبْتَهُ، وَ سَنَنْتَ السُّنَنَ، وَ أَطْفَأْتَ الفِتْنَ، وَ
دَعَوْتَ إِلَى الرِّشَادِ، وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَ جَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ الجِهَادِ
وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَ لِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَائِبًا، وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ
سَامِعًا، وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا، وَ لِعِبَادِ الدِّينِ رَافِعًا، وَ لِلطُّغْيَانِ قَامِعًا، وَ
لِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَ لِلأُمَّةِ نَاصِحًا، وَ فِي غَمَرَاتِ المَوْتِ سَاجِدًا، وَ لِلفُسَاقِ
مُكَافِحًا، وَ بِحُجَجِ اللهِ قَائِمًا، وَ لِلإِسْلَامِ وَ المِثْلِمِينَ رَاجِمًا، وَ لِلحَقِّ نَاصِرًا، وَ
عِنْدَ البَلَاءِ صَابِرًا، وَ لِلدِّينِ كَالِنَاءَ، وَ عَنْ حَوَازِيهِ مُرَامِيًا، تَحُوطُ المُهْدَى
وَ تَنْصُرُهُ، وَ تَبْسُطُ العَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تُظْهِرُهُ، وَ تَكْفُ العَايِبَ وَ
تَرْجُرُهُ، وَ تَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَ تُسَاوِي فِي الحُكْمِ بَيْنَ القَوِيِّ
وَ الضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ الأَيْتَامِ، وَ عِصْمَةَ الأَنَامِ، وَ عِزَّ الإِسْلَامِ، وَ مَعْدِنَ

الْأَحْكَامِ وَحَلِيفَ الْأَنْعَامِ، سَالِكاً طَرَاتِقَ جَدِّكَ وَآيِكَ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ
لِأَخِيكَ، وَفِي الذَّمِّ رَضِيَ الشَّيْمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ مُتَهَجِّداً فِي الظُّلْمِ، قَوِيمَ
الطَّرَاتِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ،
رَفِيعَ الرَّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ، حَلِيمَ رَشِيدُ
مُنِيبُ جَوَادُ عَلِيمُ شَدِيدُ إِمَامُ شَهِيدُ آوَاهُ مُنِيبُ مَهِيبُ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ، وَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا
لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ، بَازِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ
وَالسُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ
مِنْهَا، أَمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةً، وَ هِمَّتِكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةً، وَ الْحَاطِكَ عَنْ
بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةً، وَ رَغْبَتِكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةً، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَ
أَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ، وَ دَعَى الْغَيْءُ أَتْبَاعَهُ. وَ أَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَ
لِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْحَرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ،
تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ إِمْكَانِكَ. ثُمَّ اقْتَضَاكَ
الْعِلْمُ لِلنَّانِكَارِ، وَ لَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَ أَهَالِيكَ وَ
شِيعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ، وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ أَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ الطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ
الْخَبَائِثِ وَ الطُّغْيَانِ. وَ وَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ، فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْأَيْعَازِ لَهُمْ،
وَ تَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَكَثُرُوا ذِمَامَكَ وَ يَبِعْتَكَ، وَ أَسْخَطُوا رَبَّكَ وَ جَدَّكَ، وَ
بَدَّووكَ بِالْحَرْبِ. فَثَبَّتَ لِلطُّغْنِ وَ الضَّرْبِ، وَ طَحَنَتْ جُنُودَ الْفُجَّارِ، وَ اقْتَحَمَتْ

قَسَطَلَ الْغُبَارِ مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ. فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ
 غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَ قَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَ
 شَرِّهِمْ. وَ أَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَتَنَعُوكَ الْمَاءَ وَ وُرُودَهُ، وَ نَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَ
 عَاجَلُوكَ النَّزَالَ، وَ رَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَ بَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفُ
 الْإِصْطِلَامِ، وَ لَمْ يَرَوْا لَكَ ذِمَامًا. وَ لَا رَاقِبُوا فِيكَ أَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَ
 نَهَبِهِمْ رِحَالَكَ. وَ أَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْمَبَاتِ، وَ مُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ عَجِبْتَ مِنْ
 صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ. فَاحْدُقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَ أَثَخَنُوكَ
 بِالْجِرَاحِ وَ حَالُوا بَيْتَكَ وَ بَيْنَ الرِّوَاكِ وَ لَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَ أَنْتَ مُحْتَسِبٌ
 صَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَ أَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى
 الْأَرْضِ جَرِيحًا، تَطَوَّعَ الْخَيُْولُ بِجَوَافِرِهَا وَ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ
 لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَ اخْتَلَفَتْ بِالِاتِّقْبَاضِ وَ الْإِتِّسَاطِ شِمَالُكَ وَ يَمِينُكَ تُدِيرُ
 طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ وَ قَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَ أَهَالِيكَ.
 وَ أَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا مُحْتَمِلًا بَاكِيًا فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءُ
 جَوَادِكَ مَخْزِيًّا وَ نَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ
 الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِأَطْمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ، وَ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَ بَعْدَ الْعِزِّ
 مُذَلَّلَاتِ وَ إِلَى مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ. وَ الشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَ مُوَلِّعٌ
 سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ. قَدْ سَكَنْتَ
 حَوَاسِكَ، وَ خَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ. وَ رُفِعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ. وَ سُيِّ أَهْلُكَ
 كَالْعَبِيدِ، وَ صَفُّدُوا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ حَرًّا

الهاجراتِ، يُساقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ، أَيَدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ،
يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَ
عَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَتَقَضُّوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ،
وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا (هَمَجُوا) فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ أَصْبَحَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا. وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُورًا.
وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرَتْ مَقْهُورًا. وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْرِيمُ
وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ. وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ وَالْإِحْدَادُ
وَالتَّعْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفِتْنُ وَالْأَبْطِيلُ. فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ
جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالذَّمْعِ الْهَطُولِ. قَائِلًا يَا رَسُولَ
اللَّهِ! قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَجِمَاكَ، وَسُيِّتَ بَعْدَكَ
ذَرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْحُدُورُ بِعِزَّتِكَ وَذَوِيكَ. فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ
الْمَهُولُ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ. وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ،
وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ، تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَأُقِيمَتْ
لَكَ الْمَائِتِمُ فِي أَعْلَاعِلِيِّينَ، وَطَمَّتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَ
سُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخُرَّانُهَا، وَالْمِضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا،
وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَوَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْأَحْرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ.
اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي
فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا

أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ. وَبِأَخِيهِ
وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ. وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ
الْمُسْتَشْهَدِينَ. وَبِأَوْلَادِهِ الْمُقْتُولِينَ، وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ. وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
زَيْنِ الْعَابِدِينَ. وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَابِينَ. وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ
الصَّادِقِينَ. وَمَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ. وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ.
وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ. وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ. وَالْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ. وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
أَلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ أَلِ طَهٍ وَيس. وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ
الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقِيئِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ
فِي الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي
مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ
فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمُعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمُحْتُومِ، وَ
نَهْيِكَ الْمُكْتُومِ، وَبِهِذَا الْقَبْرِ الْمَلُومِ الْمَوْسَدِ فِي كَنْفِهِ الْأُمَامِ
الْمُعْصُومِ الْمُقْتُولِ الْمَظْلُومِ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي
شَرَّ الْقَدَرِ الْمُحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ.

اللَّهُمَّ جَلِّ لِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي بِقَسْمِكَ، وَتَعَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،
وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَافْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ
الْأَجَلِ، وَاعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيٍّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ
الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَارْحَمْ عِبْرَتِي، وَاقْلِبْ
عَثْرَتِي، وَنَفْسَ كُرْبَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي.

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمَكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا
عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهًا إِلَّا
عَمَّرْتَهُ، وَلَا فُسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا
مَضِيقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَمَلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَّمْتَهُ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ،
وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ، وَلَا إِتْفَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا
حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا
شَفَيْتَهُ، وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ، وَثَوَابَ الْأَجَلِ.

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِجَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَقَلْبًا خَاشِعًا، وَيَقِينًا شَافِيًا، وَعَمَلًا

زَاكِيًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَاجْرَأً جَزِيلًا.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ،

وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا، وَآثِرِي فِي الْخَيْرَاتِ

مَتَّبِعًا، وَ عَدُوِّي مَقْمُوعًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ فِي أَنْاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ،
وَ اكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، وَ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْأَوْزَارِ، وَ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ،
وَ اجِلِّنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَ اغْفِرْ لِي وَ لِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

نقل قولی هست ز آیات عظام

این زیارت نامه از سوی امام

پس بخوان آن را تو با صد شور و شین

در مقام زاده زهرا حسین

بعد حمد حضرت رب و درود

باد بر آدم ز ما صد بار درود

آنکه او را حضرت حق برگزید

در میان آنچه انسان آفرید

باد بر ادریس و شیث و نوح و هود

هم ثنا و هم سلام و هم درود

مصلح کل کعبه بر صالح سلام

آنکه لایق شد کرامت را تمام

تک سلاے کرم با تکرم کن

با ادب تقدیم ابراہیم کن

پس سلاے کن تو با صد عز و ناز

بہر عقوبے کہ چشمش گشت باز

کن تو بر یوسف سلامی با ثبات

آنکہ از چاش خدا دادہ نجات

پس مرا عرض ارادت با کلیم

بعد بر ہارون سلاے چون نسیم

پس بہ داود و سلیمان و شعیب

سم بہ ایوب لے کہ عاری شد ز عیب

سم بہ یونس سم بہ یحیی کن سلام

پس بہ عیسی آنکہ دارد احترام



پس سلام بر عزیز سینه چاک

آنکه شد مدفون جسمش زیر خاک

پس حدیثش بار دیگر زنده کرد

نام او را در جهان پاینده کرد

می فرستم روز و شب صدا درود

زگرمایا را که شد دریای جود

آنکه در خط بلا تسلیم بود

کوه صبر بر در مقام بیم بود

بر محمد می فرستم من درود

تا رضا گردد خداوند و دود

می کنم عرض سلا می نشین

بر علی یعنی امیر المؤمنین

پس سلام من به یاس و یاسمن

حضرت زهرا و فرزندش حسن

بر حسین فاطمه هر صبح و شام

می‌کنم با اشتیاق جان سلام

السلام ای داده جان در راه حق

شاید خونین تن درگاه تن

السلام ای آشکارا و نهان

تابع فرمان حتی لامکان

السلام ای خاک تو دارالشفاء

ای سگوهت استجابت در دعا

السلام ای بر امان فتح باب

نور چشم حضرت ختمی مآب

السلام ای میوه باغ علی

ای تو از بعد علی دوم ولی

السلام ای نور چشم فاطمه

ای به عرش حی سبحان قائم

السلام ای بر صیحه نور دل

ای ز نورت شمع هسته مشعل

پس سلام من به فرزند صفا

آنکه باشد سدر وصل منتهی

پس به فرزند بهشت جاودان

می فرستم من درود یکران

می فرستم ابن زمرم را درود

آنکه شد آینه غیب و شهود

السلام ای سنبل صبر شریعت

سید خیل جوانان بہشت

السلام ای ختمہ درد ریائے خون

ای تفت آغشہ بافتوای خون

السلام اے لالہ پرور شدہ

خیمرات صد پارہ از خنجر شدہ

السلام اے خاس اہل کسا

اے عزیزان راغزب کربلا

السلام ای کشتہ نسل بدان

نسل نسلان برزگ سفلگان

السلام اے آیہ قالوا بلی

اے سکونت یاقہ، در کربلا

السلام ای بر تو گریان دیده‌ها

اے ز تو روشن چراغ دیده‌ها

السلام اے شمع بزم گور‌ها

اے شگاف یورش زنبور‌ها

پس سلام من بر آن پاک‌گیرگان

نشان از نسل پاکان جهان

السلام ای در سما، و در سمک

دیده گریان از غمت جن و ملک

السلام ای کشتگان راه عشق

ای امامان بہین درگاہ عشق

می‌کنم بر پیشوایان من سلام

کز خداشان گشته واجب احترام

السلام ای بر گریبانست شکاف

ای غمت در سینه کرده اعتماف

پس سلام من به تأیید مراد

بر لبان از عطش خشکیده باد

السلام ای شاهد بود و نبود

یاد آن پرموده لبهای کبود

السلام ای در مصاف آفتون

نخل جانها تان بریده خصم دون

السلام ای روحان از تن شده

حسمان عریان اسپرن شده

السلام ای گشته جاری خوتان

رجهای از عدد افروتان

السلام ای جستان بی سر شده

عنوانان خسته از خنجر شده

السلام ای محبت روی زمین

ای خدا را بین خوبان بهترین

صد سلام من به اصل ریشات

پر سرهای شهادت پشه ات

صد درود من به اشک دیده ات

بر پدر بر مادر پاکیزه ات

ای به خوبی من خوبان به شده

ای به زیر ستم اسبان له شده

اے سرور سینه خیرالانام

بر تو و بر یاوران تو سلام

ای بیطلوے فدای دین شدہ

تسہ لب قربانے آئین شدہ

ای بہ پا از، ہستی ات بود و نبود

بر علی اکبرت صدنا درود

می فرستم از دل و جان من درود

ای قیام عشق بازی را سجود

ای بہ ناز شیرخوارت صد سلام

ای ز رحمت مکتب حق را قوام

السلام ای غسل خون دادہ شدہ

تیرا را سینہ آمادہ شدہ

السلام ای وقف حق، اندیشہ ات

در مصائب صبر گشتہ پیشہ ات

السلام ای آنکه دلداری تو راست

ای ستمیده که بی یاری تو راست

السلام ای صاحب قدر و مقام

یکه تاز بارگاه احتشام

السلام ای بر بزرگی مقهر

بر حقیقت از طهارت پاک تر

السلام ای جبرئیلت پاسدار

از دل و جان بر تو دارد افتخار

ای به تو جبرئیل دارد افتخار

بر مهاباتش تو دادی اعتبار

با تو میکائیل می گفتی سخن

تا را سازد دولت را از سخن

ای زجان گواره ات را داده تاب
خوانده میکائیل به سرت ذکر خواب
السلام ای در شهادت پای بست
ای که پیمان تو را دشمن شکست
السلام ای هتک حرمتها شده
سینه ات چون فرش زیر پا شده
السلام ای بایه فخر اعم
ای شده جایزه به تو ظلم و ستم
السلام ای زخمهای تو فرزون
بر جراحات داده غسل خون
السلام ای جرعه نوش نینزه ها
خون تو باشد مباح اشقیبا

السلام ای سر بریده میهمان

دکنار نهری از آب روان

السلام ای صید مقطوع الوتین

معنی ایات نعبه نشین

السلام ای پاسدار بی معین

ای شکوه گلک هستی آفرین

السلام ای لاله شب انخسب

ای مدال سینه ات خد الثرب

ای تور اگشته محاسن غرق خون

زخمهای پیکرت از حد فزون

ای بریده گشته رگها از تم

می نکردد از مصیبات تو کم

ای محاسن کرده با خونت خضاب

ای زمینای شهادت کامیاب

پیکرت از تیر و خنجر سوده شد

گونه های تو بخون آلوده شد

السلام ای پیرهن غارت شده

زنده دین حق زایشارت شده

السلام ای آنکه دندانست شکست

سنگ بر پیشانی ما هست نشت

السلام ای پرپر از باد خنجران

بر لبانت خورده چوب خیرزان

السلام ای کشته تیر و سنین

قره العسین النبی یعنی حسین

السلام ای داده سنگ خارہ ات

بال و پر بر جسم پارہ پارہ ات

السلام ای کشتہ دور از وطن

جسم پاکت ماندہ غبی و کفن

السلام ای عشق حق را مشتری

داده ای انگشت با انگشتری

السلام ای سینه جاک عدل و داد

ہستی ات باشد مرید و تو مراد

السلام ای خواندہ قرآن روی نی

زینت و پیش و را اس تو ز پی

السلام ای سرور و آقاے من

پیر من استاد من مولاے من

السلام ای طائف کویت ملک
گنبد زرین تو سنگ محک
السلام ای آنکه خوابم من زرب
زائر کوی تو کردم روز و شب
بر تو و بر آشنای حرمت
احترام من ، زدک عزت
می کنم صبح و مساء عرض سلام
بر محبت ای زسرتا پا قیام
آنکه می سوزد زسوز و ساز تو
از غم شش ماهه یاس ناز تو
پس سلام من به چشم اشکبار
کز فراق تو بگرید زار زار

مازم آن قلبی که دارد داغ تو

داغ یاس و لاله های باغ تو

پس سلا م من بر آن سرگشته است

کز غم تو بال و پر شکسته است

باد از من بر کسی صدا درود

کربلا گر بود، هستی می نمود

هستی اش را بهر حفظ جان تو

می نمود از جان و دل قربان تو

گر به یاریت مرا تا خیر شد

گر به امدادت حمایت دیر شد

تا بهای خون تو سازم طلب

اشک می دیرم برایت روز و شب

در غم تو گم شود اشکم تمام

خون دل بازم برایت صبح و شام

می خورم غم در غمت تا زنده ام

تا نیند روزگار ان خنده ام

من گواهی می دهم با سوز و ساز

کز تو بر پا شد قیام هر نماز

چون تو هستی کشتی راه نجات

جان خود دادی به راه حق زکات

نیک فرمان خدا را داشتی

بذر نیکی را به عالم کاشتی

بر حدز کردی بشر از کار زشت

و عده اش دادی تو در باغ بهشت

ای تمسک جستہ بر جبل المتین
بہر خشنودی رب العالمین
موبہ موامرش اطاعت کردہ ای
خواہش او را اجابت کردہ ای
تا تو را شہد شہادت نوش شد
آتش ہر قندے خاموش شد
پیائے دین از تو باشد بر فراز
شد حقیقت چہرہ بر حرف مجاز
از فرستہ خوبہ زخم اہرن
کردہ ای نخل ستم را یش کن
از تو شد گردنخشی ما بر ملا
ای برائے فاسقان حکم فنا

تو ولی ذات حق سرمدے

تو تداوم بخش راه احمدے

ای شفا بخش دل مستغضین

پہچو بابایت امیر المؤمنین

شد قیامت رکشای مرد و زن

در ہدایت ثانی صلح حسن

ای تعہد کردہ از روز الست

ای بہ پیمان وفایت دادہ دست

گر کہ بودم با تو من در کربلا

می نمودم ہستے خود را فدا

حافظ جان تومی شدست من

ای بہ عشقت رشتہ بند و بست من

در ہدایت مشعل تابندہ اے

تیا کہ ہستی ہست زندہ، زندہ ای

ای پناہ مردم روے زمین

ای بلند اے سکون کاخ دین

از تو شد اسلام و قرآن سرفراز

زین جہت حق دادہ بر تو امتیاز

ای بہ سختیہا شکیبایے تورا

ای خداست دادہ آقایی تورا

شردادی مکتب اسلام را

گسرتش دادی تو فکر عام را

از ضعیفان پشتیبانی کردہ ای

با یقینان ہم عنانے کردہ ای

گر که بودم با تو صیدت می‌شدم
جان سار اهل بیت می‌شدم
گر نبودم کربلا یارت شوم
رونق گرمی بازارت شوم
گر نبودم خاک با دشمن کنم
از چیمت دفع ایمن کنم
تا بهای خون تو سازم طلب
اشک می‌دیرم برایت روز و شب
در غم تو گر شود اشکم تمام
خون دل با رم برایت صبح و شام
در مصیبت های تو با سوز و ساز
عده دل را کنم با گریه باز

آقدر سوزم بہ فتح راہ تو

تا دم جان از غم جانگاہ تو

ای شهید شہ راہ صلوة

ای کہ دادی ہمتے خود را ذکوۃ

ای ز خصلتہاے نیکو بہرہ ور

ای بہ پاکی و برزے دے جلوہ گر

ای بہ تارے کے شہا در نیاز

در رکوع و در سجود و در نماز

ای شہرت مورد تأئید حق

ای کالت در خور تحید حق

بہر پیغمبر در دردانہ ای

بہر قرآنش تو پستیانہ اے

در رہ اسلام کوشا بودہ اسے

جرعہ نوش شیر زہرا بودہ اسے

از مسیر فاسقان رخ تافتی

خود رہا کردے و حق را یافتی

آن چرا اندر توانت دانستے

در مسیر ذات حق بگذرانستے

جز براے دین و قرآن آبرو

اندرین دنیا نکر دے آرزو

شوق تو بر آخرت افزون شدی

کی بہ رزق و برق و زرمختون شدی

آن زمانے کہ ستم پیدا کرد

قد علم بر ضد عدل و داد کرد

تو شکوه عشق را باور شدی

همچو ار قبر پیغمبر شدی

چشم پوشیدی ز لذتهای دهر

تا که کردی اثر شهوت تو خمر

قد علم کردی و کردی امر ذات

امر بر معروف و نهی از منکرات

کشت واجب بر تو جنگ فاجران

قد علم کردی علیہ کافران

پس تو با فرزند خویش و اقربا،

کردی آهنگ سفر در کربلا

ای به برهان و هدایت یگانه

ای هدایت کرده سوی بی نیاز

بر حدود اللہ فرمان دادہ اسے

درس خود سازی بہ انسان دادہ امی

کردہ اسے نہی از پلیدیہا بشر

تا بشر گردد رہا از دست شر

در مقابل تیغ ہاشان تیز شد

ساعز پیداوشان لیر شد

بہر قتل تو کمر ہاستہ شد

حسرت مان و نک شکستہ شد

پس تو را چون عزم راسخ استوار

بہر ضرب و شتم خصم بد شعار

بہر سنگ و نیزہ و شمشیر تیز

سینہ را کردے سپر مانند تیر

پس بہ قلب خصم قرآن تاختے
پشتہ با از کشتہ با چون ساحتے
چون علی با ذوالفقار حیدرے
حملہ کردے حملہ سر تا سرے
در غبار سم اسبان کم شدے
موج طوفان در دل قلم شدے
چون ز تو دیدند عنے استوار
بہر صیدت آن گروه نابکار
دامها چیدند تا صیدت کنند
فارغ از ہر قید و ہر بندت کنند
طرح شد بر ضد تو نیزنگھا
جمع شد دامن بہ دامن سنگھا

داد فرمان ابن سعد کینه جو
تا خورد سنگ جایت بر صبو
منع از نوشیدن آبت کنند
کز عطش مغلوب و بی تابت کنند
آب را بستند از راه عناد
کشتن تو بود آنها را مراد
بعد قتل جمله اصحاب کبار
از شقاوت ابن سعد نابکار
داد فرمان سنجبارانت کنند
پاره پاره جسم عریانت کنند
دستها سویت بلا انگیز شد
ساز و برکت قتل تو تهنیز شد

از تعافل حرمت پامال شد
حق تو بازچه اغفال شد
هر کناھے شد به عالم پیشه شان
حق نمی گنجد در اندیشه شان
در دل گرد و غبار قته خیز
بافرس می تا ختم بهر سبیز
در مصاف آنمه آزاره
صبر می کرده به فتح کاره
در تکفیت از صبر تو خیل ملک
چون تو بودی عشق را نسک محک
پس به کردت حلقه زد خصم دنی
تا به تاریکی در آید رو شنه

برق تو زخمهای بی شمار
بود از شمشیر و تیر نابکار
قامت سروت ز پا انداختند
دارگون از صدر زینت ساختند
بر تو ای آئینه صوم و صلوة
بسته شد از هر طرف راه نجات
باز کردی با خدای خود حساب
در شد اند در مصائب ای جناب
تا که از پای تو خالی شد رکاب
اوقنادی همچو در روی تراب
پیکرت تا زینت گودال شد
زیر سم اسبها پامال شد

او کی می زد تو را از کینه سنگ

تا نفس را عرصه شد بر سینه تنگ

آشکارا شد غم پنهانیت

تا که شد عرق عرق پیشانیت

گشت پیدا بر خشت آثار مرگ

گرم شد از گرمیت بازار مرگ

پیکرت می گشت از آزار و کین

باز و بسته از یار و ازین

چشم تو نامزم که بر سوسه حرم

بود سوسه اهل بیت محرم

گرچه فرصت بهر دیدن دیر بود

لیک جاے گفتن تکبیر بود

وای بر فراق غرق معصیت

ز درستان برے از عافیت

بهر قتلت جلد هم پیمان شدند

تیغ بر کف وارد میدان شدند

پس تو را کشتند با انصارتو

آفرین بر ایده و افکار تو

قصدشان از کشتن تو عام بود

در حقیقت کشتن اسلام بود

حالم از داغ غممت در سوک شد

هم نماز و روزه شان متروک شد

ای شهادت نامه ات رمز نبات

بهر اثبات حضور ممکنات

مرک خرت دین حق را شد دوام

بر تو و مظلومی جدت سلام

کی رود از یادم ای پیر فلاح

گامد از مسلح به مشعر ذوالجناح

شبهه جانسوز آن نیکو خصال

بود بر اهل حرم صوت بلال

شبهه او بند دلها را کست

تیر بود و بر دل زنبشت

بانوان از خیمه بیرون یختند

کودکان بر یال او آویختند

آن یکی می گفت با ما می چه شد

دیگری می گفت مولا می چه شد

غچه لب را سکنه باز کرد

با فرس این سان سخن آغاز کرد

ای براق عرش پیمای حسین

ای رکابت خالی از پهای حسین

سوی میدان شهادت تاختی

گوهر ما را کجا انداختی

کاکلت بر گو چرا خونین شده

صورتت از خون که رنگین شده

من یقین دارم که بی بابا شدم

سینه چاک سیلی اعدا شدم

از تو دارم من سؤالی ای فرس

پاسخم ده تا نیستم از نفس

باب من لب تشنه شد سوی منی

تا که گردد فاسی راہ خدا

آب دادندش بہ وقت بذل جان

یا سرش لب تشنه شد زب سان

ذوالجناح تیر خوش و تیر پائے

نالہ ای از دل کشید و گفت وای

بود بی تاب و کسی تابش نداد

تشنہ بود و پچکس آتش نداد

ای بہ خونت خون حق آسمتہ

خون بہائے خون ناحق رحمتہ

چون تو در طاہر شدی مغلوب خصم

خورد بر لعل لبانت چوب خصم

سے فراموشم شود ای مقدا

ظہر عاشورا و شمر بے جا

کان حرامے وارد گودال شد

رو بہ رو با کوکب اجبار شد

با لکد آن جانے ملعون بیت

استخوان سیدات در ہم شکست

پس محاسن از تو آن جانی گرفت

اہرن راہ سلیمانے گرفت

حضرت با خورشید آشنا

تا کہ سر از پیکرت سازد جدا

پس خواست از تھرکت باز ماند

سوز و ساز تھنگے بی ساز ماند

سینہ ات رہ بر نفس مسدود کرد

آہ جانسوزت فنا پر دود کرد

تختر خود را بہ نامردے کشید

تا سراپاک تو را از تن برید

چون سرت را بر فراز نی زدند

طہل پیروزے ملک ری زدند

عرش را شکست آن دم قائم

واجباً بود ذکر فاطمہ

تا تو را باب شہادت باز شد

در حرم طہل ایرے ساز شد

بعد قتل آن گروه بی جا

حملہ درگشتند سوسے خیمہ ہا

از سقیفه سوختن آموختند

خمیه بایت را در آتش سوختند

اهل بیت و آل و شیدا شدند

خسته و سرگشته صحرا شدند

قاتلان هر یک به کف رأس قتل

کار روان آماده شد به رحیل

شد به محلهای غم مأوایشان

بسته در زنجیر دست و پایشان

طی ره کردند اما تلخ کام

گر بلاتاکوفه، کوفه تا به شام

اهل بیت را زدند از کینه سنگ

از ره کین چون اسیران فرنگ

جایشان شد بر سر بازارها

از جانے آن خیانتکارها

کوفیان بر باد شد اندیششان

شد خیانت در حقیقت پیششان

چون توفیقی حرف حق تکفیر شد

کنج عزت خانه تکمیر شد

بی تفاوت شد برای خاص و عام

کسب روزی بر حلال و بر حرام

باب رحمانی به رخ مسدود شد

معنی آیات حق مفقود شد

کفر و بی دینی به عالم شد رواج

تا که گمراهی به سر نهاد تاج

مادرت از این خبر بی تاب شد

بر رخس از درد فتح باب شد

پس گروهی از ملائک شد روان

بهر دلجویی شاه انس و جان

چون سر تو از قفا بریده شد

بزم غم در آسمانها چیده شد

پس پریان در جهان بر سر زدند

همچنان پروانه بال و پر زدند

گمشانها در غم تو خون گریست

آسمان چون ابر بر خون گریست

کوه و صحرا در غم تو گریه کرد

آب دریا در غم تو ناله کرد

آتش غم در دل زمرم زده
تیر غم بر سینه عالم زده

کعبه برزم درد ما تم چیده است

مشعر از این غم سه پوشیده است

پس کنار قبر ختم المرسلین
شد خبر یک خبر را این چنین

یا رسول الله چون ابر بهار
اشک می دریم از این غم زار زار

یوسف را که گمنا دشمن شدند
بعد کشتن درو پیراهن شدند

بهر زبکته پیوند تو را
از ره کین کشته فرزند تو را

این خبر را تا رسول حق شنید
مصطرب گردید و پیراهن درید
قلب پاکش شد خروشان همچو موج
شد بر او نازل فرشته فوج فوج
تسلیمت گو با تمام انبیاء
حمله گردیدند بر آن مقتدا
آرزویم از خداے خویش بود
کو مراسم در شهادت می نمود
با تو ای آزاده نیکو شرت
حق مرا میرد در باغ بهشت
از خداوندے که باشد در حساب
بهر تحلیل حساب ما شتاب

ای کہ میا شے کریان را کریم

حاکمان را عم امیرے عم زعم

حق پیغمبر رسول انس و جان

ابن عم او امیر مؤمنان

حق زہرا سرور نسوان دہر

آنکہ شد مہرہ اش دریا و نہر

حق فرزندش حسن پاکیرہ جان

سرور پیرکاران جہان

حق فرزندش شہید ششتین

بہترین فرد شہید عالمین

حق فرزندان در خون حقہ اش

گوہر با ضرب پیکان سقہ اش

حق اہل بیت آن روشن ضمیر
گزستم در دست دشمن سدا سیر

حق فرزندش امام ساجدین
زینت عباد و فخر مؤمنین

بر محمد نور چشمان علی
آنکہ از علمش جهان شد منجی

حق جعفر حق موسی و رضا
بر تقی و بر نقی شمس ہدی

بر حسن آن وارث آئین حق
عمدہ دار و پاسدار دین حق

بر محمد آن رسول راستین
بر ہمہ ذریہ طاہر و سین

رحمت خود را بر آنان سازد

پس مراسم جز، آن خوبان شمار

نام من جز مسلمانان نویس

صالحم کن بعد با پاکان نویس

ای همه هستی ز بهشت برقرار

نام نیکو بهر من با تے گزار

کن مرا یارے کہ دین یاری کنم

در جهان دفع ستمکارے کنم

پس ز نیرنگ حسد و زان مرا

دور کن ای مالک روز جزا

از گزند ظالمانم دور کن

با خسته بندگان محسور کن

مہدیت را ای خدای مہربان

راہنمون شو در خط پیغمبران

کام تلختم را اگر شیرین کنی

در شمار خیل صدیقین کنی

پایے تا سر محو جانانم کنی

پیرو راہ شہیدانم کنی

پس مرا با صالحانست جنت کن

عرق آن نعمت کہ قرآن گفت کن

حق ہم اعظم قوم خویش

حق پیغمبر بہین معصوم خویش

حق تقدیر بہ نفعی آئندہ

حق این قبر مصیبت بنیہ

حق آنکہ گشت مقبول ستم
بر طرف کن از سرم اندوہ و غم
بر مشیت آشنائیم دہے
ز آتش دوزخ رہائیم دہے
روزی از خوان عطایت طالبم
نعمت بی قہمایت طالبم
کن مرا راضی بہ آنچه طالبے
ای کہ بر تہخیر دلہا غالبے
اسی خداے قادر و حی غفور
کن مرا از جملہ لغزشہا بدور
پس بہ کردار و بہ گفتارم خدا
از عنایت استقامت کن عطا

سر ز خط بندگی خواہم ز تو
طول عمر زندگے خواہم ز تو
وقت بیمارے بخشا حافیت
حافیت را تا بگیرم حاصیت
بندگی با فکر سالم دیدنے است
گل ز باغ آرزو چیدنی است
ای تمام درد را کردہ تست
بر رسول و آل او رحمت فرست
در مسیر بندگی سوزم بدہ
ذکر نام خود شب و روزم بدہ
تو خداوند خطا پوشے مرا
در مسیر غشا نوشے مرا

ای ہمہ پیغمبرانست جبرہ نوش
غیب گردیدی تو عیب من بپوش
لطف تو باید مرا سائل شود
تا کہ بر من حل ہر مشکل شود
پس ز تو مارا و فور نعمت است
تو سببخش نزول رحمت است
بی تو قدر و منزلت را ساز نیست
باب رحمت بر رخ ما با ز نیست
از تو ہر ویرانہ اے آباد شد
جاگزین ظلم، عدل و داد شد
آرزو ما بی تو باغی بی بر است
بی تو بی بر نخل سبز ما و راست

بی تو نبود ہر دعائے را اثر

نیت امید رہائے از خطر

ہر جدائی بی تو باسم جنت نیت

بی تو آنچه غیر گوید گفت نیت

ہر سری را از تو سامانے بود

مال را از تو فراوانی بود

بیج خلق و خصلتی را کام نیت

ہر تنگ نظری کہ ما را جام نیت

بی تو کی گردد سودے ریشہ کن

بے تومی گردد فرشتہ اہرمن

بی تو کی دشمن گردد دام دوست

بی تو شیرین می نگردد کام دوست

کی بود بیمار را بے تو ثنا

نفت دردی را بدون تو دوا

لطف تو ما را ہدایت می کند

ہر مہمی را کفایت می کند

پس مرا روزی کرم کن از حلال

بی نیازم کن ز لطف بی زوال

از تو خواہم دانشی باشد مفید

از تو خوف و دردم نور امید

در شناسائی تو خواہم یقین

علم و صبر و از تو پاداش بہین

پس بدہ توفیق شکر نعمت

تا یاسایم بہ لطف و حرمت

روزیم بنا بر احسان و کرم
ای کہ هستی ذات پاک ذوالنعم

پس پذیرا شو بطف چو شستن
پاک کن قلب مرا از ما و من

لحظہ لحظہ سے خداوند درود

بر بنی و آل او خواہم درود

از تو خواہم ای خداوند غفور

رحم را از مہدیت سازی تو دور

ز آتش دوزخ رہائیم بدہ

بر حقیقت آشنائیم بدہ

پس مرا با خیل یاران کنکو

مکنند وہ در بہشت آرزو

از تو خواہم ای خدا سے مہربان
حکم آزاد سے خیل شیطان
از تو خواہم رحمت باری کنی
شاعر ژولیدہ را پارے کنی